

آموزش جامع فارسی

سوم راهنمایی

نظارت علمی: مرتضی منشاری

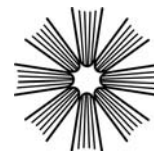
مؤلفان : مرتضی منشاری، حمید لنجان زاده اصفهانی

ویراستار علمی: کاوه وزیری

مدیر تولید: جواد احمدی شعار

هماهنگی و اجرا: جواد احمدی شعار

کانون فرهنگی آموزش



انتشارات کانون فرهنگی آموزش

عنوان کتاب:	آموزش جامع فارسی سوم راهنمایی
مؤلفان:	مرتضی منشاری، حمید لنجانزاده اصفهانی
برنامه‌ریز آموزشی:	کاظم قلم‌چی
مدیر تولید:	جواد احمدی شعار
مدیر مستندسازی:	فاطمه ولی‌خانی
ویراستاران واحد مستندسازی:	الهه رضائی ملک – مهرانوش فتاحی – فرناز حسین پور
هماهنگی و اجرا:	جواد احمدی شعار
امور کامپیوتری و صفحه‌آرا:	سیده مریم حیدری
حروف چین:	زهرا تاجیک
ویراستار:	کاوه وزیری
طراح جلد:	نگار رناسی
قطع:	وزیری
نوبت چاپ:	
چاپخانه:	
تیراژ:	
لیتوگرافی:	
قیمت:	
شابک:	

به نام یزدان پاک

کتابی که با عنوان آموزش جامع فارسی فرا روی شماسست، ثمره‌ی تلاش و برنامه‌ریزی کارشناسان و مؤلفان کانون فرهنگی آموزش است که همانند کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی، بر بنیاد رویکرد فرهنگی- تربیتی استوار است و به عنوان یک مجموعه‌ی کامل و دربرگیرنده‌ی تمام مطالب کتاب درسی می‌تواند، توان علمی و قدرت استنباط و فهم ادبی دانش‌آموزان عزیز را بالاتر برده و آمادگی و آگاهی لازم در پاسخ‌گویی به سؤال‌های ادبیات، به ویژه در آزمون‌های ورودی تیزهوشان و مدارس خاص دیگر را به همراه داشته باشد.

مؤلفان کتاب با شناخت کامل از شیوه‌های نوین آموزشی و براساس رفع نیازهای دانش‌آموزان عزیز، مطالب هر درس را در چند قسمت و به شرح زیر تهیه و تنظیم کرده‌اند که می‌تواند در آموزش علمی و زبان ادبیات فارسی بسیار مؤثر باشد:

- ✓ معنای لغت‌های درس
- ✓ معرفی نویسندگان و ذکر آثار آن‌ها در ابتدای هر درس
- ✓ آموزش جامع و سطر به سطر مطالب درسی
- ✓ بیان نکته‌های مهم درسی در لایه‌ی درس‌ها
- ✓ درس‌نامه‌ی دانش‌های زبانی و ادبی در پایان هر درس
- ✓ بررسی «نوشتن‌ها» برای ارجاع و تثبیت کار گروهی دانش‌آموزان
- ✓ بیان نکات مهم برای هر درس املا و انشا
- ✓ ارائه‌ی مجموعه سؤال‌ها در پایان هر درس برای تثبیت آموخته‌ها

در همین بخش جا دارد از مراجع آقای جواد احمدی شعار مدیر محترم تولید و گروه محترم تایپ و صفحه‌بندی سرکار خانم سیده مریم حیدری که با همراهی‌های بی دریغ خود در تهیه و آماده شدن این کتاب، مؤلفان را همراهی نموده‌اند، سپاس‌گزاری نمایم.

در پایان امیدوارم با مطالعه‌ی دقیق و عمیق این کتاب، موفقیت تحصیلی خود را تأمین و تثبیت کنید. ارائه‌ی نظرهای دانش پژوهان، صاحب نظران و استادان فرهیخته و گرانمایه، موجب سپاس و امتنان است.

مرتضی منشاری

آبان ۹۱

فهرست

صفحه

عنوان

ستایش: الهی ۶

فصل اول: اسلام و انقلاب سلامی ۹

درس اول: زیبا زیستن ۱۰

درس دوم: آب و آیین ۲۵

درس سوم: دروازه‌ای به آسمان ۳۷

شعرخوانی: رنگ بهاران ۴۳

فصل دوم: علم و فرهنگ ۵۱

درس چهارم: جوانان و فرهنگ ۵۲

درس پنجم: دانایی ۶۳

درس ششم: موش و گربه ۷۳

روانخوانی: ثمر علم ۸۰

فصل سوم: زیبایی آفرینش ۹۱

درس هفتم: تماشای بهار ۹۲

درس هشتم: شگفتی‌های آفرینش ۱۰۵

شعرخوانی: بیشه‌ی نور ۱۱۲

فصل چهارم: شگفتن ۱۲۴

درس نهم: مثل آیین ۱۲۵

درس یازدهم: هم‌نشین ۱۳۸

روانخوانی: دوستی با ابلهان ۱۴۸

فصل پنجم: اخلاق و زندگی ۱۵۸

درس دوازدهم: دوراندیشی ۱۵۹

درس سیزدهم: آداب زندگانی ۱۷۴

درس چهاردهم: پرتو امید ۱۸۷

شعرخوانی: از ماست که برماست ۱۹۳

فصل ششم: نامه‌ها و یادها ۲۰۴

درس پانزدهم: راز موفقیت، آخرین پرسش ۲۰۵

درس شانزدهم: زن پارسا، مادر حسنگ ۲۱۴

روان‌خوانی: زمزمه‌ی محبت ۲۲۱

فصل هفتم: سرزمین من ۲۲۶

درس هفدهم: امید ایران زمین ۲۲۷

درس نوزدهم: قصه‌ی تکرار آرش ۲۴۰

شعرخوانی: ایران ۲۴۸

فصل هشتم: ادبیات جهان ۲۶۱

درس بیستم: آرزو ۲۶۲

درس بیست و یکم: شازده کوچولو ۲۷۳

روان‌خوانی: دو نقاش ۲۷۹

نیایش: بیا تا برآریم دستی ز دل ۲۸۰



معنای لغت‌ها و اصطلاحات

نصرت: یاری، کمک	مدح: ستودن، ستایش
نازانیم: افتخار می‌کنیم	چرخ: آسمان
عزّ: ارجمندی	خاتم: ختم کننده، تمام کننده
ثنا: ستایش، آفرین	أصحاب: جمع صاحب، یاران
جلال: بزرگی، شکوه	مُبطل: باطل کننده
کبریا: بزرگی و شکوه	بَرنوشتن: در نور دیدن
کران: کنار، کناره، ساحل	بساط: فرش، گستردگی، هر چیز گسترده
	مانند فرش و سفره

توضیح پاره‌ای از مفاهیم

سنایی غزنوی:

شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز شاعری مدّاح بود ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوست‌دار آل علی (ع) بود. از آثار او می‌توان به حقیقة‌الحقیقه اشاره کرد.

معنای نظم و نثر:

* مَلِکَا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

معنی و مفهوم:

خدایا، همیشه ذکر و یاد تو را بر زبان دارم. زیرا تو پاک و آفریننده‌ی جهانیان هستی و به جز راهی که تو آن را نشان می‌دهی، به راه دیگری نمی‌روم.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

استعاره: مَلِک استعاره از خداوند / مصراع دوم به دو صورت خوانده می‌شود:

۱- توام راهنمایی: تو راه را به من می‌نمایی (نشان می‌دهی)

۲- توام راهنمایی: تو راهنمای من هستی.

فردوسی:

فردوسی در روستای باژ واقع در منطقه‌ی توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب‌زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب و دل‌بسته‌ی میراث ملی و فرهنگی ایران کهن بود و به خاندان پیامبر (ص) عشق می‌ورزید. فردوسی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن اثر عظیم خود، شاهنامه، رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت به سال ۴۱۱ هـ. ق در گذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.



معنای نظم و نثر

* به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه بر نگذرد

معنی و مفهوم:

سخن را با نام خداوند آفرینشگر جان و خرد آغاز می‌کنیم، زیرا که اندیشه و فکر انسان فراتر از این را نمی‌تواند درک کند و از پی بردن به حقیقت ذات خدا ناتوان است.

* خداوند نام و خداوند جای / خداوند روزی ده رهنمای

معنی و مفهوم:

خداوندی که مقام و جایگاه والایی را به انسان بخشیده است و به او روزی می‌دهد و هدایت‌کننده‌ی انسان‌ها به راه راست است.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

«روزی ده» و «رهنمای»، صفت فاعلی مرکبِ مرخّم هستند و در اصل «روزی دهنده» و «رهنماینده» بوده‌اند.

کشف الاسرار:

«کشف الاسرار و عُدّة الابرار» تفسیری است به فارسی به قلم میبدی (نیمه‌ی اول قرن ششم) که آن‌را تحت تأثیر تفسیر خواجه عبدالله انصاری نوشته است.

سجع:

یک سانی دو واژه در واج یا واج‌های پایانی، وزن یا هر دوی آن‌هاست که در پایان دو جمله می‌آید.

*خدایا، به شناخت تو زندگانیم و به نصرت تو شادانیم، به کرامت تو نازانیم، به عزّ تو عزیزانیم!

معنی و مفهوم:

پروردگارا، به خاطر شناخت تو زنده هستیم و به دلیل یاری و کمک تو شادمان هستیم و به عظمت و بخشش تو افتخار می‌کنیم و به دلیل عزّت و بزرگی تو عزیز و گرامی هستیم.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

سجع: زندگانیم، شادانیم، نازانیم، عزیزانیم.

*خدایا، نه شناخت تو را توان، نه ثنای تو را زبان، نه دریای جلال و کبریای تو را کران، پس تو را مدح و ثنا چون توان؟

معنی و مفهوم:

پروردگارا، توانایی شناخت تو را نداریم، از ستایش تو عاجز و ناتوان هستیم، عظمت و بزرگی تو کرانه و پایانی ندارد، بنابراین ما نمی‌توانیم آن چنان که سزاوار توست، تو را مدح و ستایش کنیم.

**دانش‌های ادبی و زبانی:**

شبه جمله (منادا): خدا یا / سجع: توان، زبان، کران، توان / تشبیه (اضافه‌ی تشبیهی): دریای جلال و کبریا (جلال و کبریاى خداوند مانند دریا است).

الأُنبیة عن حقائق الأدویه:

این کتاب را ابومنصور موفّق هروی در خواص گیاهان و داروها (و در واقع، درباره‌ی علم داروشناسی) در عهد منصور بن نوح سامانی تألیف کرده است. نثر علمی فارسی با کتاب الأُنبیه آغاز می‌شود.

«سپاس باد یزدانِ دانا و توانا را که آفریدگار جهان است و داننده‌ی آشکار و نهان است و راننده‌ی چرخ و زمان است و دارنده‌ی جانوران است و آورنده‌ی بهار و خزان است.»

معنی و مفهوم:

سپاس و ستایش بر خداوند دانا و توانا که آفرینشگر جهان هستی است و از آشکار و نهان همه چیز آگاه است و به حرکت درآورنده‌ی آسمان و روزگار است و صاحب و مالک همه‌ی موجودات است و به وجود آورنده‌ی بهار و پاییز و همه‌ی فصل‌های سال است.

دانش‌های ادبی و زبانی:

سجع: جهان، نهان، زمان، جانوران و خزان
تضاد: «آشکار و نهان»، «بهار و خزان»
استعاره: چرخ استعاره از آسمان است.

تلمیح

«را» در این عبارت به معنی «بر» حرف اضافه است.

«و درود بر محمد مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) که خاتم پیامبران است. و آفرین بر اصحاب اوی و اهل بیت و گزیدگان اوی که خلق را به راستی پند دادند و به یزدان راه نمودند و طریق مَبطلان بر نوشتند و بساط حق بگستردند.»

معنی و مفهوم:

و سلام بر پیامبر برگزیده (درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد) که آخرین پیامبران است. و سپاس بر یاران و خاندان و انسان‌های برگزیده‌ی او که مردم را با پند و اندرز خود به انجام دادن کارهای راست و درست دعوت کردند و راه راست خداوندی را به آن‌ها نشان دادند و راه نادرست باطل‌کنندگان را برچیدند و حق و حقیقت را گسترش دادند.

دانش‌های ادبی و زبانی:

سجع: دادند، نمودند، برنوشتند، بگستردند

تضاد: مُبطل و حق

«ان» در گزیدگان نشانه‌ی جمع است و از «گزید + ه + گ» میانجی درست شده و واژه‌ی مشتق است.

فصل اول



✽ علم دین، بام گلشن جان است / نردبان، عقل و حسّ انسان است

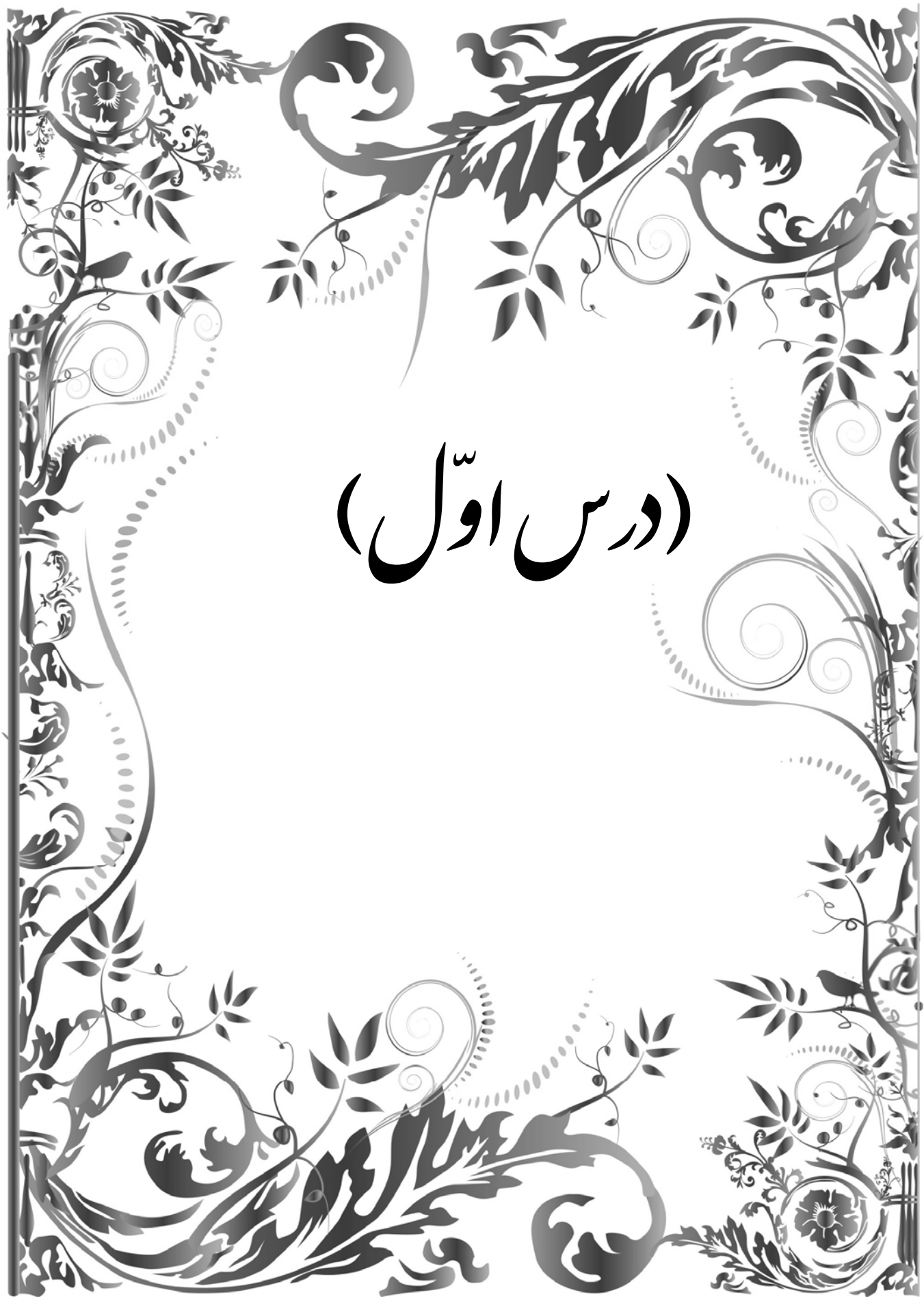
معنی و مفهوم:

دینداری و شناخت دین، اوج زیبایی روح و جان است و عقل و احساس مانند نردبانی انسان‌ها را به این مرحله‌ی کمال می‌رساند.

دانش‌های ادبی و ژبانی:

تشبیه: ۱- علم دین مانند بام گلشن جان است. ۲- عقل و حس مانند نردبان است.
اضافه‌ی تشبیه‌ی: گلشن جان (جان مانند گلشن)
مراعات نظیر: بام و نردبان، جان، عقل، حس و انسان



A decorative border with intricate floral and vine patterns in black and white, framing the central text. The patterns include leaves, flowers, and swirling vines.

(درس اوّل)



معنای لغت‌ها و اصطلاحات

سعادت: خوش‌بختی، نیک‌بختی	رحمت: مهربانی کردن، بخشایش و احسان
ویژه: مخصوص	طنین: آواز، صدا
گنجینه: جای گنج، خزانه	آبخور: سرچشمه، آبخور
متعال: بلند شونده، بسیار بلند	دارایی: سرمایه، ثروت
کردار: کار، عمل، روش	غنیمت: استفاده از فرصت
تندرستی: سلامت، تندرست بودن	ناگوار: ناخوشایند
گشاده‌روی: بانشاط و خندان	حاجت: نیاز، احتیاج
نُصرت: یاری، کمک	ظالم: ستمکار، ستمگر
مظلوم: ستم‌رسیده، ستم‌دیده	محنت: درد و رنج

معنای نظم و نثر:

*پیامبر اسلام، پیام آور رحمت و سعادت برای جهانیان است.

معنی و مفهوم:

حضرت محمد (ص) پیام آورنده‌ی مهربانی و بخشایش و خوش‌بختی برای مردم جهان است.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

مجاز: جهانیان مجاز از مردم جهان است. / پیام آور: صفت فاعلی مرکب مرخم است و در اصل پیام آورنده بوده است.

*طنین دلنشین کلام ایشان، فراتر از جغرافیای فرهنگی تاریخ بشری است و جان‌های پاک، پیوسته مشتاق شنیدن آن هستند.

معنی و مفهوم:

پیام زیبا و دل‌انگیز او به یک منطقه از جهان محدود نمی‌شود و شامل همه‌ی فرهنگ‌های بشری است و همه‌ی انسان‌های پاک، در سراسر جهان همواره با شوق و علاقه پیام‌های او را از صمیم جان می‌شنوند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

مجاز: جان‌ها مجاز از انسان‌ها است.



*پیام پیامبر (ص)، گنجینه و آبشخوری است که انسانیت، همواره برای تازگی و شکوفایی و شکوهمندی خود، بدان نیازمند است.

معنی و مفهوم:

پیام‌های پیامبر (ص) مانند خزانة و سرچشمه‌ای است که انسان‌های شایسته، همیشه برای شادابی و طراوت و رشد و عظمت خود به آن احتیاج دارند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تشبیه: پیام پیامبر (ص) مانند گنجینه و آبشخور است.

*ای ابوذر، خداوند متعال به سیمای ظاهر و دارایی‌ها و گفته‌هایتان نمی‌نگرد، بلکه به دل‌ها و کردارهایتان می‌نگرد.

معنی و مفهوم:

ای ابوذر، خداوند بلند مرتبه به زیبایی ظاهری و ثروت و سخنان انسان‌ها توجه نمی‌کند، بلکه به باطن و اعمال آن‌ها توجه می‌کند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

شبه‌جمله: (منادا): ای ابوذر تضاد: ظاهر و دل (باطن)

*ای ابوذر اگر درباره‌ی چیزی که به آن علم نداری، از تو پرسیده شود، بگو نمی‌دانم تا از پیامدهای ناگوار آن در امان بمانی.

معنی و مفهوم:

ای ابوذر، اگر درباره‌ی موضوعی که نسبت به آن آگاهی نداری، از تو سؤال شود، بگو که پاسخ آن را نمی‌دانم تا از حوادث ناخوشایند آن آسوده بمانی.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

شبه‌جمله (منادا): ای ابوذر

*ای ابوذر گشاده روی و خندان باش که خدای، تعالی، گشاده روی و آسان‌گیر را دوست دارد.

معنی و مفهوم:

ای ابوذر، همیشه با نشاط و خندان باش که خداوند بلندمرتبه، انسان‌های خوش برخورد و خندان و با گذشت را دوست دارد.



دانش‌های ادبی و زیبایی:

شبه جمله (منادا): ای ابوذر / گشاده‌رو: «مشتق - مرکب» / خندان: مشتق / آسان‌گیر: مرکب
صفت فاعلی مرکب مرخم: آسان‌گیر

*هم‌نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم‌نشین بد است.

معنی و مفهوم:

هم‌نشین شایسته بهتر از تنها ماندن است اما تنها ماندن بهتر از هم‌نشین بودن با اشخاص ناشایست است.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تضاد: نیک و بد
واژه‌های مشتق: هم‌نشین و تنهایی

*هر که حاجت مسلمانی روا کند، هم‌چنان باشد که همه‌ی عمر را خدمت کرده باشد.

معنی و مفهوم:

هر کس نیاز یک مسلمان را بر آورده کند، مانند آن است که تمام عمر خود را در راه خدمت کردن به دیگران سپری کرده باشد.

دانش‌ها (ادبی و زیبایی):

«همه» در همه‌ی عمر، صفت پیشین (صفت مبهم) است.

*برادر خویش را نصرت کن اگر ظالم بود یا مظلوم، بازداشتن وی از ظلم، نصرت وی بود.

معنی و مفهوم:

به برادر مسلمان خود یاری و کمک کن، چه ستمگر باشد یا ستم دیده، زیرا که بازداشتن ستمگر از ظلم و ستم، موجب رهایی او از عذاب خواهد بود.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

«را» در برادر خویش را، حرف اضافه و به معنی «به» است.
تضاد: ظالم و مظلوم

*مَثَلِ مؤمنان، جمله چون یک تن است چون یک اندام را رنجی رسد، همه‌ی اندام‌ها آگاهی یابند و رنجور شوند.

معنی و مفهوم:

انسان‌های مؤمن مانند اندام‌های یک بدن هستند که اگر به یکی از آن‌ها آسیبی برسد، همه‌ی اندام‌ها آگاه شده، آزرده و ناراحت می‌شوند.

**دانش‌های ادبی و زبانی:**

تشبیه: مؤنان مانند یک تن هستند.

«را» در «یک اندام را»، حرف اضافه به معنی «به» است. / «همه» در «همه‌ی اندام‌ها»، صفت مبهم است. این عبارت با بیت: «بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند» از سعدی، تناسب مفهومی دارد. (خود ارزیابی شماره‌ی ۱)

* بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند

معنی و مفهوم:

انسان‌ها مانند اجزای یک بدن و پیکر واحد هستند، زیرا که همه‌ی آن‌ها از یک اصل و منشأ آفریده شده‌اند.

دانش‌های ادبی و زبانی:

تشبیه: بنی آدم مانند اعضای یک پیکر هستند. / آفرینش: مشتق

* چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار

معنی و مفهوم:

اگر روزگار به یکی از اعضای انسان آسیب برساند، عضوهای دیگر نیز دچار رنج و ناراحتی می‌شوند.

دانش‌های ادبی و زبانی:

چو: حرف ربط است / روزگار: واژه‌ی دو تلفظی است: روزگار، روزگار

* تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی

معنی و مفهوم:

ای انسان، اگر به درد و رنج انسان‌های دیگر بی‌توجه باشی، شایسته نیست که تو را انسان خطاب کنند.

دانش‌های ادبی و زبانی:

آدمی: مشتق

دانش‌های زبانی و ادبی**جمله چیست؟**

جمله سخنی است که از دو بخش نهاد و گزاره تشکیل شده است.

جمله از نظر پیام، چهار نوع است: خبری، پرسشی، عاطفی و امری.



- ۱- جمله‌ی خبری: جمله‌ای است که خبری را به ما می‌دهد:
دوستان واقعی، راه نیک‌بختی را به ما نشان می‌دهند و همراهان خوبی هستند.
- ۲- جمله‌ی پرسشی: جمله‌ای است که پرسشی را مطرح می‌کند:
برای چه به ماه و ستارگان می‌اندیشی؟
- ۳- جمله‌ی امری: جمله‌ای است که امر به انجام کاری یا درخواست انجام کاری را مطرح می‌کند.
طالب علم باش و از یار بداندیش و بدآموز بگریز.
- ۴- جمله‌ی عاطفی: جمله‌ای است که احساس ما را نسبت به چیزی یا کسی نشان می‌دهد.
چه باغ زیبایی!
نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات است که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم؛ یعنی «صاحب خبری» است.
- نهاد دو نوع است: ۱- نهاد جدا ۲- نهاد پیوسته
نهاد جدا: گروه اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می‌آید و اغلب می‌توان آن را حذف کرد.
دانشمند، بسیار می‌خواند و مشتاقانه می‌پرسد.

نهاد پیوسته: همان شناسه است که شخص و شمار فعل را تعیین می‌کند و قابل حذف نیست.
حضرت علی (ع) می‌فرماید: «فرصت‌ها چون ابر می‌گذرند، آن‌ها را دریابید.»
نهاد جدا نهاد پیوسته نهاد پیوسته نهاد پیوسته

مطابقت نهاد جدا و پیوسته

- ✓ اصل این است که نهاد جدا، با شناسه مطابقت کند اما استثنا هم دارد.
- ۱- برای احترام: برای نهاد مفرد می‌توان شناسه‌ی جمع آورد.
پیامبر اکرم دشمنان شکست خورده را بخشیدند.
- ۲- برای نهاد غیرجاندار: شناسه هم به صورت مفرد می‌آید و هم به صورت جمع.
سنگ‌ها افتاد / افتادند
- ۳- برای اسم‌های جمع مثل «قافله، کاروان، رمه، گله و...» وقتی نهاد باشند فعلشان مفرد می‌آید. کاروان به شهر رسید.
- ۴- برای برخی اسم‌های مبهم مثل: هیچ یک، هیچ کدام، هر یک: می‌توان شناسه‌ی جمع یا مفرد آورد.
هر یک از شاعران نام‌دار ایران مثل ستاره‌ای در آسمان ادب فارسی می‌درخشید. / می‌درخشد.



گزاره: خبری است که درباره‌ی نهاد داده می‌شود.
دکتر حسابی به زبان و فرهنگ و ادب فارسی عشق می‌ورزید.

نهاد
✓ هر گزاره یک فعل دارد. مانند «است» در این جمله:
نوجوانی تولد دوباره‌ی انسان است.

✓ هر جمله می‌تواند یک یا چند گروه قیدی داشته باشد. گروه قیدی را می‌توان از جمله حذف کرد. مانند:

ایران همیشه سرزمین دلیران بوده است. سالیانی دراز مشرکان بت‌ها را می‌پرستیدند.
نکته: قید در هر جای جمله باشد جزئی از اجزای گزاره است.

انواع نوشته از نظر زبانی و ادبی

نوشته‌ی زبانی: نوشته‌ای عادی است که نویسنده پیام را در آن به صورت ساده بیان می‌کند. در نوشته‌های زبانی هر لفظی به معنای روشن و حقیقی خود به کار می‌رود و این نوع نوشته‌ها صریح، دقیق، گویا و بی‌ابهام هستند؛ مانند:

در پاییز برگ‌ها با وزش باد از شاخه‌ها می‌افتند و بر زمین می‌ریزند و زیر پای عابران قرار می‌گیرند.

نوشته‌های ادبی: نوشته‌ای است که در آن، نویسنده از آرایه‌های ادبی برای توصیف و تصویر معانی ذهنی و بیان، عواطف و احساسات درونی بهره می‌گیرد، زیرا زبان معمولی به خوبی از عهده‌ی بیان تجربیات عاطفی، هنری، دینی و عرفانی برنمی‌آید. نوشته‌های ادبی زیباتر و تأثیرگذارتر از نوشته‌های زبانی هستند و پیام نوشته نیز به طور غیرمستقیم و غیرصریح بیان می‌شود؛ مانند:

در پاییز برگ‌ها با وزش هر نسیم، دست از دامن شاخه رها می‌کنند و رقصان در باد به زمین می‌ریزند و فرشی رنگارنگ زیر پای عابران می‌گسترانند.

در این نمونه، توصیف، تشبیه و تشخیص به کار رفته و بر زیبایی و تأثیرگذاری آن افزوده است.



۱- برای هر یک از واژه‌های زیر، معادل مناسب دیگری بنویسید.

مظلوم: ستم رسیده، ستم‌دیده / گنجینه: جای گنج، خزانه / رسول: فرستاده شده، پیامبر / خصلت: خوی، طینت، صفت ذاتی / آبشخور: سرچشمه، آبخور / سعادت: خوش‌بختی، نیک‌بختی



متعال: تعالیٰ، متعالیٰ / ظاہر: مظهر، ظہور / ظالم: مظلوم / نصرت: ناصر، منصور / مسلمان: اسلام، مسلم

- هم‌نشین نیک، بهتر از تنهایی است.

نهاد	مُسند
نهاد	مفعول

– انقلاب اسلامی، پرتو امیدی را در دل مردم تاباند.

نهاد مفعول فعل

ما باید مظلوم را یاری کنیم.

نهاد مفعول

نکته‌ی املائی:

هنگام نوشتن املای، به انتخاب قلم و کاغذ مناسب، فاصله‌ی چشم با کاغذ، درست نوشتن و شیوه‌ی صحیح به دست گرفتن قلم، توجه شود.

سوالات تشریحی

(الف) مَلَكًا ذَكَرَ تُو گُویم (ب) بَه شَنَاخت تُو زَنَدگَانِیم وَ بَه نَصَرَت تُو شَادَانِیم

۳- نهاد و گزاره را در ابیات زیر مشخص کنید.

(الف) ما همان چشمه‌های کم آبییم / زندگی جمع دوستانه‌ی ماست
(ب) همه عالم، تن است و ایران، دل / نیست گوینده زین قیاس خجل
(ج) بس بگردید و بگرد روزگار / دل به دنیا در بندد هوشیار

۴- تفاوت «بیت‌الغزل» و «شاه‌بیت» در چه چیزی است؟

۵- منظور از مصراع دوم بیت زیر چیست؟

«در آسمان سینه‌ی من ابر بغض خفت / صحرای دل بهانه‌ی باران گرفته است»

۶- بن «ماضي» و «مضارع» افعال «مي خوردم، مي پوشم و مي رفتم» را بنويسيد.

۷- غلط‌های املايي عبارت زير را پيدا كنيد و شكل درست آن‌ها را بنويسيد؟

«خصوصیت طبیعی و اقلیمی به گونه‌ای است که با کار و کوشش می‌تواند آباد بماند. یک سرزمین، هرچند هم از لحاظ منابع زیرزمینی غنی باشد، بارآور نمی‌شود. زخایر زیرزمینی روزی به پایان می‌رسند.»



۸- در بیت زیر کلمات قافیه و ردیف را مشخص کنید.

«آنچه در علم بیش می‌باید / دانش ذات خویش می‌باید»

۹- در بیت زیر شاعر از کدام آرایه‌ی ادبی استفاده کرده است؟

در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است / «امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است»

سؤالات تستی آموزشی (متوسط)

۱- بن مضارع چه تعداد از افعال زیر صحیح آمده است؟

می‌خیزند(خیز)، می‌نشینند(نشین)، می‌روند(رفت)، نمی‌برند(بر)، می‌گویند(گو)، آوردی(آورد)،
بززند(زدن)، می‌خواند(خوان)

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۲- در عبارت زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

هر که حاجت مسلمانی روا کند، هم‌چنان باشد که همه‌ی عمر را خدمت کرده باشد و برادر خبیش را
نسرت کن، اگر ظالم بود یا مظلوم، مثل مؤمنان، جمله، چون یک تن است چون یک عندام را رنجی
رصد، همه آگاهی یابند و رنجور شوند، ای ابوذر، مبادا با برادر مسلمانان قحر کنی، زیرا کردار
شایسته در آن هنگام، به درگاه پرورده‌گار پذیرفته نمی‌شود.

(۱) هفت (۲) هشت (۳) نه (۴) ده

۳- در کدام گزینه تعداد بیش‌تری «مفعول» دیده می‌شود؟

- (۱) سرو بالای کمان ابرو اگر تیر زند / عاشق آن است که بر دیده نهد پیکان را
 - (۲) دست من گیر که بیچارگی از حد بگذشت / سر من دار که در پای تو ریزم جان را
 - (۳) کاشکی برده بر افتادی از آن منظر حُسن / تا همه خلق ببیند نگارستان را
 - (۴) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم / فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
- ۴- بیت «علم دین، بام گلشن جان است / نردبان، عقل و حسّ انسان است» از ... است.
- (۱) شاهنامه‌ی فردوسی
 - (۲) الأبنیه عن حقایق الأدویه‌ی موفق هروی
 - (۳) حدیقه‌ی سنایی
 - (۴) کشف‌الاسرار میبدی

۵- کدام واژه نادرست معنا شده است؟

(۱) مصطفی: ارجمند (۲) آل: تبار (۳) کران: کناره (۴) کبریا: بزرگی



۶- کدام یک از واژه‌های مشخص شده نقش نهاد ندارد؟

- (۱) بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند
- (۲) به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد
- (۳) علم دین، بام گلشن جان است / نردبان عقل و حسن انسان است
- (۴) چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار

۷- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) «الأبنیه عن الاحقایق الدویه، کتابی است از ابومنصور موفّق هروی در خواص گیاهان و داروها که در عهد منصور بن نوح سامانی تألیف شده است.»
- (۲) فردوسی، از نجیب‌زادگان و دهقانان توس بود که به میراث ملی و فرهنگی ایران وابستگی زیادی داشت، وی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید.
- (۳) کشف الاسرار و عده‌الابرار، اثر ابوالفضل رشیدالدین میبدی است. نثر علمی فارسی با این کتاب آغاز می‌شود.

(۴) سنایی غزنوی، عارف معروف ایرانی است. وی ابتدا شاعری مدّاح بود، ولی پس از آن به عرفان روی آورد. حدیقه الحقیقه اثر معروف اوست.

۸- در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

ابوزر، گشاده‌روی و خندان، به جوانان مشتاق نگریست و با طنین دلنشین کلام خود، بخشی از سفارش پیغامبر اعظم (ص) را بازگو کرد: «خداوند متعال، نه به سیمای ظاهر، که به کردارتان می‌نگرد. و نیز، ای جوان! مبادا در زندگی با برادر مسلمان قهر کنی، زیرا کردار شایسته در هنگام قهر نزد خدا پزیرفته نمی‌شود.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹- هر سه واژه‌ی همه‌گزینه با هم هم خانواده‌اند به جز گزینه‌ی ...

- (۱) معادل، عدالت، عدل
- (۲) خطبه، خطیب، مخاطب
- (۳) مدح، محمود، محمّد
- (۴) نصرت، نصیر، منصور

۱۰- در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

آن چه که مرز نمی‌شناسد و هم چون گنجینه‌ای است که انسانیت، همواره برای تازه‌گی و شکوهمندی خود بدان نیازمند است، دانش است. زیبایی آن در نشر آن است و نگهداری آن در این است که آن را در اختیار اهلیش‌گزاری، چرا که هاجت بسیاری از انسان‌های رنجور را روا می‌کند و فرد را از پیامدهای ناگوار نادانی در امان می‌دارد.

(۱) چهار (۲) یک (۳) دو (۴) سه



سؤالات تستی آموزشی (پیشرفته)

- ۱- در همهی گزینه‌های زیر به جز گزینه‌ی ... جزء اصلی گزاره حذف شده است.
- (۱) خداوند نام و خداوند جای / خداوند روزی ده رهنمای
(۲) الهی جانب من کن نگاه / مرا بنما به سوی خویش راهی
(۳) خدایا به گردان سپهر بلند / به مردان صاحب‌دل دردمند
(۴) خدایا به خورشید گیتی‌فروز / به پرتو فشانی‌ش در نیمروز
- ۲- در کدام گزینه، «بن فعل» با دیگر گزینه‌ها تفاوت دارد؟
- (۱) در آسمان سینه‌ی من ابر بغض خفت / صحرای دل بهانه‌ی باران گرفته است
(۲) هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی / هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند
(۳) آب شد برف زرد کوه سپید / تکه یخ‌ها به گریه افتادند
(۴) کان روز به علم تو چه افزود / وز کرده‌ی خود چه برده‌ای سود
- ۳- در گروه کلمات زیر چند غلط املائی وجود دارد؟
- «آغوش و بغل، غافله‌ی کربلا، معارج موجود، قامت استوار، صلاله‌ی جوانمردان، مسجد جامه، شطّ خرمشهر، اصحاب امام، مزهر استقامت، تدائی کربلا، سرچشمه‌ی جاودانگی، تند و بی‌وقفه، حیاط معمول شهر، نظاره کردن، صلح و جنگ، ققنوس‌وار، به سوی عاشورا، شهدای بسیجی»
- (۱) شش (۲) هشت (۳) نه (۴) ده
- ۴- در کدام گزینه، آرایه‌ی «تشخیص» وجود دارد؟
- (۱) تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی
(۲) جهان، جمله، فروغ روی حق دان / حق اندر وی ز پیدایی است پنهان
(۳) دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را / نیست گوش‌ی که همی نشنود، آوای تو را
(۴) نام تو رخصت رویش است و طراوت / زین سبب برگ و باران تو را می‌شناسند
- ۵- کدام ابیات با یک‌دیگر تناسب معنایی دارند؟
- (الف) اگر نیک خواهی به هر دو سرای / به نزد نبی و وصی گیر جای
(ب) تا دیگران گرسنه و مسکین‌اند / بر مال و جاه خویش نیفزاید
(ج) به سختی دهد مرد آزاده، تن / که پایان تن‌پروری، بندگی است
(د) چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار
- (۱) الف و ج (۲) ب و ج (۳) الف و د (۴) ب و د



۶- توضیحات داخل کمانک کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم (روی سرخ ← نهاد)
- ۲) ماه فرو ماند از جمال محمد(ص) / سرو نباشد به اعتدال محمد(ماه و سرو ← نهاد)
- ۳) شب ز اسرار علی آگاه است / دل شب محرم سرالله است (شب و دل شب ← نهاد)
- ۴) بچه‌ها در کلاس جنگل سبز / جمع بودند دور هم خوش حال(بچه‌ها ← نهاد)

۷- در کدام یک از گزینه‌های زیر جمله‌ی «عاطفی» وجود دارد؟

- ۱) خدا آن ملّتی را سروری داد / که تقدیرش به دست خویش بنوشت
 - ۲) هنگام سپیده دم خروس سحری / دانی که چرا همی کند نوحه‌گری
 - ۳) چه خوش گفت زالی به فرزند خویش / چو دیدش پلنگ افکن و پیل تن
 - ۴) از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن / فردا که نیامده است فریاد مکن
- ۸- بن مضارع اولین فعل هر یک از بیت‌های زیر در کدام گزینه نادرست آمده است؟

- ۱) گفت چشم تنگ دنیا دار را / یا قناعت پر کند یا خاک گور: گو
- ۲) بزرگان نهادند سر بر درش / که در می نیامد به درها سرش: نه
- ۳) نخواهد که بیند خردمند ریش / نه بر عضو مردم نه بر عضو خویش: خواه
- ۴) پریدند از آن‌جا خرید و فروش / زراعت نیامد رعیت بسوخت: بر

۹- کدام اثر با توجه به نویسنده‌اش درست نیست؟

- ۱) روضه‌ی خلد: مجد خوافی ۲) دری به خانه‌ی خورشید: سلمان هراتی
 - ۳) جام‌جم: اوحدی مراغه‌ای ۴) کشف الاسرار: خواجه عبدالله انصاری
- ۱۰- جمع مکسر کدام یک از واژگان زیردر مقابل آن درست آمده است؟

- ۱) حکمت: احکام ۲) حکم: حکام ۳) حاکم: حکم ۴) حکیم: حکما



پاسخ سوالات تشریحی



- ۱- الف) خداوندا، ذکر و یاد تو را می‌گویم. (تو را یاد می‌کنم) / ب) به واسطه‌ی شناخت تو زنده هستیم و به خاطر نصرت و یاری تو شادیم.



۲- نثر علمی فارسی با کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» آغاز می‌شود. این کتاب را «ابومنصور موفّق هروی» در خواص گیاهان و داروها در عهد منصور بن نوح سامانی تألیف کرده است.

۳- الف) ما همان چشمه‌های کم آبیم / زندگی جمع دوستانه‌ی ماست

نهاد گزاره نهاد گزاره

ب) همه عالم تن است و ایران دل / گوینده زین قیاس خجل نیست

نهاد گزاره نهاد گزاره نهاد گزاره

ج) بس بگردید و بگردد روزگار / دل به دنیا در نبندد هوشیار

گزاره نهاد گزاره نهاد

۴- همه‌ی بیت‌های یک شعر از نظر زیبایی و تأثیرگذاری به یک اندازه نیستند. بعضی از بیت‌ها خیلی ساده و سریع بر دل می‌نشینند و بر زبان جاری می‌شوند. به بهترین بیت در غزل «بیت‌الغزل» و در شعرهای دیگر «شاه‌بیت» می‌گویند.

۵- در مصراع اول، سخن از بغض است؛ بنابراین باران گرفتن صحرای دل کنایه از «گریستن» است.

۶- می‌خوردم: «خورد» بن ماضی / «خور»: بن مضارع

می‌پوشم: «پوشید» بن ماضی / «پوش»: بن مضارع

می‌رفتم: «رفت» بن ماضی / «رو»: بن مضارع

۷- املای صحیح واژه‌های نادرست عبارت‌اند از: «اقلیمی، لحاظ و ذخایر»

۸- کلمات قافیه، «بیش و خویش» و ردیف، «می‌باید» است.

۹- مصراع دوم را شاعر از شخص دیگری گرفته است، به این کار «تضمین» می‌گویند.



۱- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

شکل صحیح بن فعل‌هایی که نادرست آمده است: می‌روند: (رو)، آوردی: (آور)، بزنند(زن).

۲- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

حاجت، خویش، نصرت، اندام، رسد، قهر، پروردگار

۳- گزینه‌ی «۴» صحیح است.



گزینه‌ی «۱»: تیر و پیکان / گزینه‌ی «۲»: دست، سر و جان / گزینه‌ی «۳»: نگارستان / گزینه‌ی «۴»: گل، می، سقف فلک، طرحی نو

۴- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

این بیت از حکیم سنایی غزنوی و از کتاب «حديقة الحقیقه» اوست.

۵- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

مصطفی: برگزیده، انتخاب شده

۶- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

علم دین، (مثل) بام گلشن جان است. عقل و حسّ انسان، (هم مثل) نردبان است.

باقی واژه‌های مشخص شده نقش نهاد دارند. نهاد مسند فعل اسنادی

۷- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

نثر علمی فارسی با کتاب الابینه عن الحقایق الادویه آغاز می‌شود. کشف الاسرار و عدة الابرار تفسیری است به فارسی که میبیدی آن را تحت تأثیر تفسیر خواجه عبدالله انصاری نوشته شده است. گزینه‌های دیگر، همگی صحیح هستند.

۸- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

املاي «ابوزر» و «پذیرفته» نادرست و صورت درست آن‌ها «ابوذر» و «پذیرفته» است. نکته: ابوذر غفاری از یاران پیامبر بود. گویند وی پنجمین نفری بود که به اسلام روی آورد.

۹- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

حروف اصلی مدح، م دح، با حروف اصلی دو واژه‌ی دیگر «ح م د» متفاوت است. بنابراین، مدح با دو واژه‌ی دیگر هم خانواده نیست.

۱۰- گزینه‌ی «۴» صحیح است.

املاي «تازه‌گی»، «در اختیار گذاشتن» و «هاجت» نادرست و صورت درست آن «تازگی»، «در اختیار گذاشتن» و «حاجت» است.



۱- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

در گزینه‌ی «۲»: «بنما» و «نگاهی کن» فعل و مهم‌ترین جزء گزاره هستند. تشریح گزینه‌های نادرست: گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»: در این گزینه‌ها «فعل» به عنوان مهم‌ترین جزء گزاره وجود ندارد و حذف شده است.

**۲- گزینه‌ی «۲» صحیح است.**

در «می‌شناسی» و «می‌شناسند» بن فعل از نوع مضارع است: «شناس» بن مضارع از مصدر «شناختن» است. در گزینه‌ی های دیگر، بن ماضی وجود دارد. نکته‌ی مهم درسی: بن فعل دو نوع است: بن ماضی و بن مضارع. مثل: آفریدن: (مصدر): بن ماضی: (آفرید)، بن مضارع: (آفرین).

۳- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

شش غلط: قافله‌ی کربلا، سلاله‌ی جوانمردان، مسجد جامع، مظهر استقامت، تداعی کربلا، حیات معمول شهر.

۴- گزینه‌ی «۴» صحیح است.

«تشخیص» یعنی نسبت دادن ویژگی‌های انسانی به غیر انسان. «شناختن» از ویژگی‌های انسانی است که در گزینه‌ی «۴»، به برگ و باران نسبت داده شده است.

۵- گزینه‌ی «۴» صحیح است.

ابیات «ب و د» به این مفهوم اشاره دارند که اگر مشکلی برای یکی از اعضای جامعه پیش آید، انسان با اندیشه و دلسوز آرام و قرار ندارد و به فکر اوست و تنها به فکر افزودن بر جاه و مال خویش نیست.

۶- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

روی سرخ، مفعول است نه نهاد؛ نهاد جمله‌ی دوم: که (چه کسی) است.

۷- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

«چه» تعجب را بیان می‌کند و «تعجب» بیانگر عاطفه است. بنابراین، جمله‌ی اوّل بیت مورد نظر، عاطفی است. تشریح گزینه‌های نادرست: گزینه‌ی «۱»: جمله‌ی خبری است. گزینه‌ی «۲»: جمله‌ی پرسشی است. گزینه‌ی «۴»: جمله‌ی امری است (مکن: امر منفی یا فعل نهی است).

۸- گزینه‌ی «۴» صحیح است.

در گزینه‌ی «۴» بن مضارع «بریدن»، بُر است و «بَر» بن مضارع «بردن» است.

۹- گزینه‌ی «۴» صحیح است.

کتاب کشف‌الاسرار از میبیدی است که آن را تحت تأثیر تفسیر خواجه عبدالله انصاری نوشته است.

۱۰- گزینه‌ی «۴» صحیح است.

حکمت: حکم، حکم: احکام، حاکم: حُکام، حکیم: حُکما

(درس دوم)



معنای لغت‌ها و اصطلاحات

خروشان: خروشنده، در حال جوش و خروش
 طراوت: شادابی، تازگی و نشاط
 رخصت: اجازه
 غریب: بیگانه، نا آشنا

توضیح پاره‌ای از مفاهیم

قیصر امین‌پور:

از شاعران برجسته‌ی انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «به قول پرستو»، «در کوچه‌ی آفتاب»، «تنفس صبح» و «آینه‌های ناگهان» از آثار اوست. قیصر امین‌پور در سال ۱۳۸۶ در گذشت.

قالب شعر: غزل / ردیف: تو را می‌شناسند

معنای نظم و نثر:

* چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند / موج‌های پریشان تو را می‌شناسند

معنی و مفهوم:

ای امام رضا (ع) همه‌ی چشمه‌های خروشنده و موج‌های آشفته با نام تو آشنا هستند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تشخیص: چشمه‌ها و موج‌ها تو را می‌شناسند. مراعات نظیر: چشمه و موج

واج‌ارایی (نغمه‌ی حروف): تکرار صامت «ش»
 واژه‌های مشتق: چشمه و خروشان

* پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی / ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند

معنی و مفهوم:

تو همانند آب زلال هستی که سیراب‌کننده‌ی همه‌ی انسان‌های تشنه‌ی معرفت است. حتی ریگ‌های بیابان نیز با تو آشنا هستند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تشخیص: ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند. تشبیه: تو همانند آب و جواب هستی

تضاد: آب و تشنگی
 مراعات نظیر: تشنگی و آب

«را» در مصراع اول به معنی «برای» حرف اضافه و در مصراع دوم نشانه‌ی مفعول است.



* نام تو رخصت رویش است و طراوات / زین سبب برگ و باران تو را می‌شناسند

معنی و مفهوم:

نام تو اجازه‌ی شکوفایی و روییدن و تازگی و شادابی است. به همین علت همه‌ی برگ‌ها و گیاهان و قطره‌های باران با نام تو آشنا هستند.

دانش ادبی و زیبایی:

تشخیص: برگ و باران تو را می‌شناسند.

مراعات نظیر: «رویش و برگ»، «رویش، طراوت و باران»

بیت سه جمله دارد و در جمله‌ی دوم فعل «است» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است.

* هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی / هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند

معنی و مفهوم:

ای امام رضا(ع)، تو همه‌ی انسان‌های پاک و ارزشمند این دنیا را می‌شناسی و هم تمام شهدا، وجود پاک و ارزشمند تو را می‌شناسند.



دانش‌های ادبی و زیبایی:

استعاره: «گل» استعاره از انسان‌های پاک و ارزشمند و «باغ» استعاره از دنیا است.

مراعات نظیر: گل و باغ «را» در هر دو مصراع نشانه‌ی مفعول است.

* اینک ای خوب، فصل غریبی سر آمد / چون تمام غریبان تو را می‌شناسند

معنی و مفهوم:

ای امام خوب، اکنون زمان غریب بودن و ناآشنایی تمام شده است، زیرا همه‌ی انسان‌های بیگانه و نا آشنا با نام تو آشنا هستند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

شبه‌جمله (منادا): ای خوب

* کاش من هم عبور تو را دیده بودم / کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسند

معنی و مفهوم:

ای امام رضا (ع)، ای کاش هنگامی که از کوچه‌های خراسان عبور می‌کردی، من هم در آنجا بودم و مانند مردم خراسان تو را از نزدیک می‌دیدم.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

مجاز، «کوچه‌های خراسان» مجاز از مردم خراسان است.



معنای لغت‌ها و اصطلاحات

میلاد: تولّد
خرقه: لباس، جامه‌ی ضخیم و چند تکه‌ی درویشان
می: باده، شراب
هشدار: آگاه باش
می‌کشان: در لغت به معنی باده نوشان، مُنجی: نجات دهنده، رهایی دهنده
منظور عارفان و عاشقان است.

توضیح پاره‌ای از مفاهیم

حضرت امام خمینی (ره):

حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در سال ۱۲۷۹ هـ.ش (۱۳۲۰ هـ.ق) در خمین چشم به جهان گشود و در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ به ملکوت اعلا پیوست. از جمله آثار و تألیفات متعدّد ایشان می‌توان به چهل حدیث اشاره کرد.
قالب شعر: غزل / ردیف: آمد

معنای نظم و نثر:

*میلاد گل و بهار جان آمد / برخیز که عید می‌کشان آمد

معنی و مفهوم:

زمان میعاد حضرت مهدی (عج) فرا رسید، جشن و پای‌کوبی و عید عارفان و عاشقان فرا رسیده است.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

استعاره: «گل» و «بهار جان» استعاره از (حضرت مهدی (عج)) هستند و «می‌کشان» استعاره از عارفان و عاشقان است.
مراعات نظیر: «گل و بهار»، «میلاد و عید»

*خاموش مباش زیر این خرقه / بر جان جهان، دوباره جان آمد

معنی و مفهوم:

خاموشی و گوشه‌نشینی را رها کن، زیرا که با آمدن میلاد حضرت مهدی (عج)، روح و جان تازه‌ای در مردم جهان به‌وجود آمده است.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

خرقه: مجازاً به معنی آیین درویشی و تصوّف است و جهان مجاز از مردم جهان است.
جناس ناقص: جان و جهان



* گلزار ز عیش، لاله باران شد / سلطان زمین و آسمان آمد

معنی و مفهوم:

همه‌ی هستی به خاطر میلاد حضرت مهدی (عج) زیبا و گل باران شد و تولّد فرمانروای دل‌های موجودات زمین و آسمان فرا رسید.

دانش‌های ادبی و زبانی:

مراعات نظیر: گلزار و لاله
استعاره: «سلطان» استعاره از امام زمان است.
مجاز: «زمین و آسمان» مجاز از موجودات زمین و آسمان است.

* آماده‌ی امر و نهی و فرمان باش / هشدار که منجی جهان آمد

معنی و مفهوم:

برای اجرا کردن دستور و فرمان امام زمان آماده شو و آگاه باش که نجات دهنده‌ی مردم از راه رسید.

دانش‌های ادبی و زبانی:

تضاد: امر و نهی
استعاره: «منجی» استعاره از امام زمان است.
مجاز: جهان مجاز از مردم جهان است.

دانش‌های زبانی و ادبی

صفت:

واژه‌ای است که توضیحی درباره‌ی کلمه‌ای دیگر می‌دهد و یکی از ویژگی‌های آن را بیان می‌کند.

مانند: چشمه‌های خروشان / موج‌های پریشان

صفت صفت

انواع صفت از نظر ساده، برتر، برترین:

صفت ساده:

واژه‌های «خروشان»، «پاک» و «مهربان» بدون هیچ نشانه‌ای به کار رفته‌اند و صفت ساده هستند.

* چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند. * منجی پاک و مهربان آمد.

نکته: توجه داشته باشید که صفت‌هایی مانند «خروشان، مهربان و نیکوکار» در مقایسه با صفت‌های «برتر و برترین»، ساده هستند و از نظر ساختمان، «مشتق: خروشان و مهربان» و «مرکب: نیکوکار» هستند.

**صفت برتر (تفضیلی):**

این نوع صفت‌ها دارای نشانه‌ی «تر» هستند. این نشانه برای مقایسه، به این صفت‌ها افزوده می‌شوند، مانند: او با صفاتر از باغ گل است.

نکته: «با صفاتر» از نظر نوع کلمه در جمله‌ی ارائه شده «صفت برتر» یا «تفضیلی» است و از نظر نقش دستوری در جمله‌ی بالا، نقش مسندی دارد.

صفت برترین (عالی):

این نوع صفت‌ها دارای نشانه‌ی «ترین» هستند. این نشانه برای مقایسه، به این صفت‌ها افزوده می‌شوند. مانند: شجاع ترین مردم کسی است که بر هوا و هوشش غلبه کند. (حضرت علی (ع))

جدول انواع صفت از نظر ساده، برتر، برترین

صفت ساده	صفت برتر	صفت برترین (عالی)
پاک	پاک‌تر	پاک‌ترین
مهربان	مهربان‌تر	مهربان‌ترین
نیکوکار	نیکوکارتر	نیکوکارترین

*صفت‌های برتر و برترین هنگامی به کار می‌روند که بین دو یا چند اسم یا ضمیر، مقایسه‌ای صورت گیرد.

غزل:

نوعی قالب شعر است که قافیه در مصراع نخست و تمام مصراع‌های زوج آن رعایت می‌شود. غزل بیش‌تر به بیان احساس، عاطفه، فراق و جدایی و عشق و عرفان و ... می‌پردازد. چگونگی قرار گرفتن قافیه‌ها را در نمودار زیر می‌توان مشاهده کرد.

X.....	X.....
X.....	
X.....	
X.....	

قصیده:

قصیده از جهت قرار گرفتن قافیه‌ها شبیه به غزل است. تعداد ابیات قصیده معمولاً از پانزده بیت بیش‌تر است. موضوع آن غالباً توصیف طبیعت یا زیبایی‌ها و مدح و ستایش کسی یا چیزی یا مسائل اخلاقی است.

تفاوت غزل و قصیده:

غزل و قصیده در دو موضوع زیر با هم تفاوت دارند:

- ۱- معمولاً تعداد ابیات در غزل کم‌تر از قصیده است.
- ۲- قصیده بیش‌تر به مدح و ستایش و توصیف طبیعت می‌پردازد.



نوشتن

- ۱- کلمات زیر را با استفاده از صفت‌های مناسب گسترش دهید:
فصل - میلاد - پرسش - رویش - کوچه - خراسان - بیابان - گلزار
پاسخ: فصل: این فصل زیبا و دل‌انگیز / میلاد: میلاد با سعادت و شکوهمند / پرسش: پرسش‌های خوب و مناسب / رویش: رویش زیبا و لطیف / کوچه: همان کوچه‌های بزرگ و دوست داشتنی / خراسان: خراسان پاک و مقدس / بیابان: بیابان گسترده و بی انتها و طولانی / گلزار: شکوهمندترین گلزار، گلزار زیبا و سرسبز و دل‌انگیز
- ۲- یک تشبیه و دو تشخیص از درس بیابید و بنویسید:
پاسخ: تشبیه: پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی (تو مانند آب و جواب هستی).
تشخیص: چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند. / موج‌های پریشان تو را می‌شناسند.
- ۳- قافیه و ردیف شعر دوم درس را پیدا کنید و بنویسید:
پاسخ: ردیف: آمد / قافیه: واژه‌های «جان»، «می‌کشان»، «جان»، «آسمان» و «جهان»

نکته‌ی انشایی:

در نگارش انشا به موارد زیر، توجه کنید:

- ۱- استفاده از آرایه‌های ادبی (تشبیه، تشخیص، تکرار حروف، تلمیح، جناس، سجع و ...)
- ۲- دقت در انتخاب نام و عنوانی زیبا و کوتاه و مناسب



سوالات تشریحی

- ۱- معنای عبارت‌های مشخص شده‌ی ابیات زیر را بنویسید؟
میلاد گل و بهار جان آمد / برخیز که عید می‌کشان آمد
آماده‌ی امر و نهی و فرمان باش / هشدار، که منجی جهان آمد
- ۲- آرایه‌ی ادبی بارز ابیات زیر را در مقابل آن‌ها بنویسید.
۱- پدرم روضه‌ی رضوان به دو گندم بفروخت / من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم
۲- چو غنچه گرچه فروبستگی است کار جهان / تو هم چو باد بهاری گره‌گشا می‌باش
- ۳- تفاوت «بیت‌الغزل» و «شاه‌بیت» در چه چیزی است؟
- ۴- تفاوت دو قالب شعری «قصیده و غزل» در چیست؟



سوالات تستی آموزشی (متوسط)



- ۱- همه‌ی جمله‌ها در همه‌ی ابیات زیر مفعول دارند به جز
- (۱) چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند/ موج‌های پریشان تو را می‌شناسند
(۲) نام تو رخصت رویش است و طراوت/ زین سبب برگ و باران تو را می‌شناسند
(۳) هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی/ هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند
(۴) کاش من هم عبور تو را دیده بودم/ کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسند
- ۲- اگر ابیات زیر، به ترتیب چهاربیت نخست یک غزل باشند، در کدام بیت واژه‌ی قافیه، واژه‌ی مفرد نیست؟
- (۱) چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند/ موج‌های پریشان تو را می‌شناسند
(۲) پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی/ ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند
(۳) هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی/ هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند
(۴) کاش من هم عبور تو را دیده بودم/ کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسند
- ۳- در بیت «پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی/ ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند» کدام یک از آرایه‌های زیر وجود ندارد؟
- (۱) تشبیه (۲) تشخیص (۳) تضاد (۴) تلمیح
- ۴- در کدام یک از ابیات زیر صفت تفضیلی دیده می‌شود؟
- (۱) شود آسان ز عشق کاری چند/ که بود نزد عقل، بس دشوار
(۲) بگفت از عشق، کارت زار است/ بگفت: از عاشقی خوش‌تر چه کار است؟
(۳) نوحه لایق نیست برخاک شهیدان زانکه هست/ کم‌ترین دولت ایشان را بهشت برترین
(۴) تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی/ تو نماینده‌ی فضلی، تو سزاوار ثنایی
- ۵- کدام گزینه از کتاب‌های قیصرامین پور نیست؟
- (۱) فصلی از عاشقانه‌ها (۲) در کوچه‌ی آفتاب
(۳) آینه‌های ناگهان (۴) به قول پرستو
- ۶- هر سه واژه‌ی همه‌ی گزینه‌ها با هم هم‌خانواده‌اند به جز
- (۱) ولد، مولود، والده (۲) منجی، منجم، نجوم
(۳) غلبه، مغلوب، غالب (۴) هدایت، هادی، مهدی
- ۷- شاعر در کدام یک از ابیات زیر از آرایه‌ی تکرار حروف (واج‌آرایی) بهره برده است؟
- (۱) بهترین مراتب آن باشد/ کان به فضل و هنر به دست آید
(۲) خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد/ که تا زخال تو خاکم شود عبیر آمیز (خوشبو)
(۳) خواب نوشین بامداد رحیل/ باز دارد پیاده را ز سبیل (راه)
(۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی/ غنیمت است چنین شب که دوستان بینی



۸- در کدام یک از گزینه‌های زیر آرایه‌ی «تشخیص» وجود ندارد؟

- (۱) بخز در لاکت ای حیوان، که سرما / نهانی، دستش اندر دستِ مرگ است / مبادا پوزه‌ات بیرون بماند / که بیرون، برف و باران و تگرگ است.
- (۲) گاه تنهایی، صورتش را به پس پنجره می‌چسبانید / شوق می‌آمد / دست در گردنِ حس می‌انداخت / فکر، بازی می‌کرد.
- (۳) مانده از شب‌های دورادور / بر مسیر خاموش جنگل / سنگ چینی از اجاقی خُرد / و اندر خاکستری سردی
- (۴) خوشه‌ی ماه فروریخته در آب / شاخه‌ها دست برآورده به مهتاب / شب و صحرا و گل و سنگ / همه دل داده به آواز شباهنگ (بلبل)

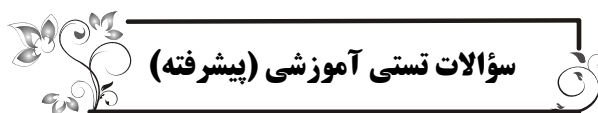
۹- معنای کدام یک از واژگان در مقابل بیت نادرست آمده است؟

- (۱) میلاد گل و بهار جان امد / برخیز که عید می‌کشان آمد (می‌کشان: عارفان و عاشقان)
- (۲) تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی (محنت: رنج)
- (۳) خاموش مباش زیر این خرقة / برجان جهان دوباره جان آمد (خرقة: ستمگر)
- (۴) گلزار ز عیش لاله باران شد / سلطان زمین و آسمان آمد (عیش: خوشگذرانی)

۱۰- در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«هیچ چیز به اندازه‌ی نخستین پرواز بعد از رها شدن از قفس برای یک گنجشک جزآب نیست. فراتر از بام‌ها، گلزاری را به دلخواه برمی‌گزیند و سرشار از شادی، از مرزهای جغرافیایی، و از گناه تنهایی عبور می‌کند. خود را با شجاع‌ترین مقایسه می‌کند و با خود، به مدح و ستایش و توصیف طبیعت می‌پردازد.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار



سؤالات تستی آموزشی (پیشرفته)

۱- با توجه به معنی بیت، املاي واژه‌ی «غریب» در کدام یک از ابیات زیر نادرست است؟

- (۱) گر آمدم به کوی تو، چندان غریب نیست / چون من در آن دیار، هزاران غریب هست
- (۲) و آن که با عطار می‌گردد غریب / او همی یابد ز بوی خوش نصیب
- (۳) غریب و نادر باشد جوان با پرهیز / تو خویشان ز جوانان غریب و نادر دان
- (۴) و من گدای کوی تو باشم غریب نیست / قارون اگر به خیل (جمع) تو آید گدا رود

۲- کدام یک از ابیات زیر تلمیح ندارد؟

- (۱) هر آن که گنج قناعت به گنج دنیا داد / فروخت یوسف مصری به کمترین ثمنی (ارزش)
- (۲) به دریا مرو، گفتمت زینهار (هشدار) / و گر می‌روی تن به طوفان سپار
- (۳) بدرم روضه‌ی رضوان (بهشت) به دوگندم بفروخت / من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم
- (۴) مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید / که ز انفاس (نفس‌ها) خوشش بوی کسی می‌آید



- ۳- در کدام گزینه جمع مکسر هر دو واژه در مقابل آن درست آمده است؟
(۱) قلم: اقلام / منظور: مناظر
(۲) خصلت: خصال / خاطره: خاطرات
(۳) تاریخ: تواریخ / وصیت: وصایا
(۴) ضمیر: ضمائر / حکایت: حکایات
- ۴- در کدام گزینه آرایه‌ی «جناس» وجود ندارد؟
(۱) گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل / گل از خارم بر آوردی و خار از پا و پا از گِل
(۲) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش
(۳) تو کافر دل نمی‌بندی نقاب چهر و می‌ترسم / که محرابم بگرداند خم آن دلیستان ابرو
(۴) من اوّل روز دانستم که با شیرین در افتادم / که چون فرهاد باید شُست دست از جان شیرینم
- ۵- در کدام گزینه آرایه‌ی تشبیه وجود دارد؟
(۱) سلسله‌ی موی دوست، حلقه‌ی دام بلاست / هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
(۲) تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی
(۳) گر برود جان ما در طلب وصل دوست / حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست
(۴) گر بنوازی به لطف، ور بگدازی به قهر / حکم تو برمن روان، زجر تو برمن رواست



پاسخ سؤالات تشریحی

۱- می‌کشان: باده نوشان.

در بیت صورت سؤال منظور از این واژه عارفان و عاشقان حضرت ولی‌عصر (عج) است.
منجی جهان: نجات دهنده‌ی جهان، حضرت ولی‌عصر (عج). در متن درس هر دو بیت معنی شده است.

- ۲- در بیت «۱» به داستان آدم و حوا اشاره شده، بنابراین این بیت تلمیح دارد.
در بیت «۲» دو تشبیه داریم: «کار جهان» به «غنچه» تشبیه شده و «مخاطب شاعر» به «باد بهاری» (فروبستگی و گره‌گشا، آرایه‌ی تضاد دارند).
- ۳- همه‌ی بیت‌های یک شعر از نظر زیبایی و تأثیرگذاری به یک اندازه نیستند. بعضی از بیت‌ها خیلی ساده و سریع بر دل می‌نشینند و بر زبان جاری می‌شوند. به بهترین بیت در غزل «بیت‌الغزل» و در شعرهای دیگر «شاه‌بیت» می‌گویند.

۴- (۱) معمولاً تعداد ابیات در غزل کم‌تر از قصیده است. (۲) قصیده بیش‌تر به مدح و ستایش و توصیف طبیعت می‌پردازد.



پاسخ سؤالات تستی آموزشی متوسط

۱- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

فعل جمله‌ی مصراع اول گزینه‌ی «۲»، فعلی اسنادی است و این جمله مفعول ندارد.

نام تو رخصت رویش و طراوت است.

نهاد	مسند	فعل اسنادی

۲- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

واژه‌های قافیه در بیت ۱، «خروشان و پریشان» در بیت ۲: «بیابان»، در بیت ۳: «شهیدان» و در بیت ۴ «خراسان» هستند که در این میان تنها «شهیدان» واژه‌ی جمع است.

۳- گزینه‌ی «۴» صحیح است.

تشبیه: تو، برای پرسش تشنگی، مثل آب، جواب هستی.

تشخیص: ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند. تضاد: پرسش، جواب

۴- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

صفت‌هایی که «تر» دارند صفت تفضیلی و صفت‌هایی که «ترین» دارند، صفت عالی نامیده می‌شوند. بیت ۱: آسان و «دشوار» صفت ساده‌اند. / بیت ۲: «خوش‌تر» صفت تفضیلی است. / بیت ۳: کم‌ترین و «برترین» صفت عالی هستند. / بیت ۴: «حکیم، عظیم، کریم و رحیم» صفت ساده‌اند.

۵- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

فصلی از عاشقانه‌ها عنوان کتابی از «سهیل محمودی» است.

۶- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

ریشه‌ی منجی «ن ج ی» و ریشه‌ی «منجم و نجوم» «نجم» است. پس «منجی» با دو واژه‌ی دیگر هم خانواده نیست.

۷- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

در بیت گزینه‌ی «۲» تکرار حرف «خ»، در بیت گزینه‌ی ۳ تکرار کسره (-) و در بیت ۴ تکرار حرف «ش» باعث زیباتر شدن هر کدام از ابیات شده است. اما در بیت گزینه‌ی «۱» تکرار حرف خاصی مشاهده نمی‌شود.

۸- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

در بیت گزینه‌ی «۱»: سرما و مرگ دست دارند و دست‌هایشان در دست هم است و حیوان را نیز مورد خطاب قرار داده است. در بیت گزینه‌ی «۲»: تنهایی، شوق، حس و فکر اعمال و ویژگی‌های انسانی دارند. در بیت گزینه‌ی «۴»: شاخه‌ها دست دارند و شب و صحرا و گل و سنگ به آواز بلبل گوش می‌دهند. اما در بیت گزینه‌ی «۳»: تشخیص وجود ندارد.



۹- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

خرقه: لباس، جامه‌ی درویشان

۱۰- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

املای «جَزَّاب» و «دلخاه» نادرست، صورت درست آن‌ها «جَذَّاب» و «دلخواه» است.



۱- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

غریب: ناآشنا، نادر، عجیب

غریب: نزدیک

معنی ابیات: بیت گزینه‌ی «۱»: چندان عجیب نیست که من به سمت و سوی تو آمدم. در آن دیار مثل من،

افراد ناآشنای زیادی هستند ← هر دو: غریب

بیت گزینه‌ی «۲»: آن کسی که به عطر نزدیک می‌شود، از بوی خوش بهره می‌برد ← غریب

بیت گزینه‌ی «۳»: جوان با پرهیز و با تقوا بسیار نادر است. تو خودت را از جوانان نادر بدان ← هر دو:

غریب

بیت گزینه‌ی «۴»: عجیب نیست که من در کوی تو بیایم. قارون هم اگر پیش تو آید، گدا می‌رود ←

غریب

۲- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

بیت «۱»: داستان یوسف (ع) و فروخته شدن او به عنوان غلام و برده،

بیت «۳»: داستان آدم و حوا و رانده شدن آن‌ها از بهشت

بیت «۴»: داستان عیسی مسیح که نفسش، مرده‌ها را زنده می‌کرد، اشاره دارد.

اما بیت گزینه‌ی «۲»: به واقعه و داستان خاصی اشاره ندارد.

۳- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

نادرستی سایر گزینه‌ها: گزینه‌ی «۱»: منظر: مناظر / گزینه‌ی «۲»: «خاطرات» جمع مکسر نیست.

گزینه‌ی «۴»: حکایات جمع مکسر نیست. باقی جمع مکسرها همگی صحیح‌اند.

۴- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

در بیت «۱»: «گُل با گِل» و «دَل» با «گِل» جناس دارند. / در بیت «۲»: «اصل» و «وصل» جناس دارند.

در بیت «۴»: دو واژه‌ی شیرین، جناس تام دارند. اوّلی به معنای معشوقه‌ی فرهاد و دومی به معنای عزیز و

دوست داشتنی است.

۵- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

بیت گزینه‌ی «۱»: سلسله‌ی موی دوست، مثل حلقه‌ی دام بلا است.

(درس سوم)



دروازه‌ای به آسمان

معنای لغت‌ها و اصطلاحات

مظهِر: محلّ ظهور، جای آشکار شدن	قافله: کاروان
ناگریز: ناچار	مُلَحَق: پیوسته، کسی یا چیزی که به دیگری پیوسته و متصل شده باشد.
مَقَرّ: قرارگاه، جای قرار و آرام	پندار: اندیشه، گمان، خیال
اصحاب: یاران و دوستان	محفوظ: حفظ شده، نگاه‌داری شده
عُشّاق: جمع عاشق، عاشقان، شیفتگان	انگاشتن: پنداشتن، گمان کردن
انباشته: پُر، مملو	زیستن: زندگی کردن
معارج: جمع معراج، نردبان‌ها، آنچه به وسیله‌ی آن بالا روند	جاودانگی: دایمی، همیشگی
نگاشتن: نوشتن، نقش و نگار کردن	بی‌وقفه: بی‌درنگ
یُمَن: خیر و برکت، خجستگی، مبارکی	حیات: زندگی
بُغض: گرفتگی و ناراحتی درونی از غصه	باژگونه: واژگون، سرنگون
رُعا یا: جمع رعیت، عموم مردم، مردم	شقایق: لاله‌ی سرخ
فرمان‌بردار	تپیدن: لرزیدن، بی‌آرام شدن، زدن نبض قلب
توبره: کیسه‌ی بزرگ	

توضیح پاره‌ای از مفاهیم

شهید سیدمرتضی آوینی:

شهید مرتضی آوینی در سال ۱۳۲۶ متولد شد. او نویسنده، فیلم‌ساز و سردبیر مجله‌ی «سوره» بود. از فیلم‌های او می‌توان «خان گزیده‌ها»، «حقیقت»، «روایت فتح» و «سراب» اشاره کرد. وی در سال ۱۳۷۲ در منطقه‌ی فکّه به شهادت رسید.

معنای نظم و نثر:

※ این شهر، دروازه‌ای در زمین داشت و دروازه‌ای دیگر در آسمان.

معنی و مفهوم:

خرم‌شهر یک دروازه‌ی مادی در زمین داشت و دروازه‌ی دیگر آن که معنوی بود در آسمان واقع شده بود.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تضاد: زمین و آسمان



* تو در جست و جوی دروازه‌ی آسمانی شهر بودی که به کربلا باز می‌شد و جز مردانِ مرد را به آن راه نمی‌دادند.

معنی و مفهوم:

تو راه آسمانی و معنوی خرمشهر را جست‌وجو می‌کردی، این دروازه‌ی آسمانی دروازه‌ای بود که به سوی کربلا گشوده می‌شد و تنها انسان‌های شجاع و دلاور اجازه‌ی وارد شدن به آن را داشتند.

* پندار ما این است که ما مانده‌ایم و شهدا رفته‌اند اما حقیقت آن است که زمان، ما را با خود برده است و شهدا مانده‌اند.

معنی و مفهوم:

اندیشه و گمان ما این است که در این دنیا باقی مانده‌ایم و شهیدان از دنیا رفته‌اند اما حقیقت آن است که گذشتِ زمان و وابستگی‌های مادی، ما را از بین می‌برند و شهیدان، جاودان می‌مانند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تضاد: ماندن و رفتن

* آن جوان بسیجی دیگر جوان نیست. جوانی او نیز در شهر آسمانی خرمشهر مانده است.

معنی و مفهوم:

* آن جوان رزمنده‌ی بسیجی، حالا دیگر جوان نیست. جوانی او هم در شهر آسمانی و معنوی خرمشهر، در جنگ با دشمن جاودان مانده است.

* فرصت زیستن، چه در صلح و چه در جنگ، کوتاه است.

معنی و مفهوم:

فرصت زندگی کردن، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، همیشه برای انسان کوتاه است و باید قدر فرصت را بداند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تضاد: صلح و جنگ

* آن نوجوانان رشید اکنون به سرچشمه‌ی جاودانگی رسیده‌اند. سخن عشق، پیر و جوان نمی‌شناسد.

معنی و مفهوم:

آن نوجوان‌های دلاور، اینک به مبدأ و سرچشمه‌ی جاودانه شدن رسیده‌اند. عشق هر پیر و جوانی را می‌تواند به کمال و جاودانگی برساند.



دانش‌های ادبی و زیبایی:

تضاد: پیر و جوان

تشبیه: سرچشمه‌ی جاودانگی (جاودانگی مانند سرچشمه است)

تشخیص: سخن عشق، پیر و جوان نمی‌شناسد.

* یک روز ناگهان از آسمان آتش بارید و حیات معمول شهر متوقف شد. کشتی‌ها به گِل نشستند.

معنی و مفهوم:

ناگهان روزی از آسمان بمب و موشک بر خرمشهر فرو بارید و زندگی معمولی مردم به هم ریخت و کشتی‌ها از حرکت بازایستادند.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

استعاره: «آتش» استعاره از بمب و موشک است. مجاز: «شهر» مجاز از مردم شهر است.

* رودخانه ماند و نظاره کرد که چگونه حیات حقیقی مردان خدا، ققنوس‌وار از میان خاکستر نخل‌های نیم‌سوخته، خانه‌های ویران، اتومبیل‌های آتش گرفته و کشتی‌های به گِل نشسته سر بر آورد.

معنی و مفهوم:

رودخانه‌ی خرمشهر باقی ماند و دید که چگونه زندگی واقعی انسان‌های خداشناس، مانند ققنوس از میان درختان نخل نیم‌سوخته، خانه‌های ویران گشته، اتومبیل‌های سوخته و کشتی‌های از حرکت باز ایستاده، دوباره از سر گرفته شد.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تشخیص: نگاه کردن رودخانه

تشبیه: ققنوس‌وار (مانند ققنوس)

تلمیح: ققنوس‌وار از میان آتش سر بر آوردن (ققنوس مرغ افسانه‌ای است که هزار سال عمر می‌کند و چون عمرش به آخر برسد هیزم بسیار جمع می‌کند و بر بالای آن می‌نشیند و بال بر هم می‌زند تا هیزم آتش بگیرد و خود با آن بسوزد تا ققنوس دیگری از میان خاکستر آتش پدیدار شود).

* عجب از این عقل باژگونه که ما را در جست و جوی شهدا به قبرستان می‌کشاند!

معنی و مفهوم:

جای تعجب است که این عقل واژگون و سرنگون، ما را برای جست و جو کردن شهیدان به سوی گورستان می‌برد! (در حالی که شهیدان در همه جا حضور دارند).



✽ خرمشهر شقایقی خون رنگ است که داغ جنگ بر سینه دارد.

معنی و مفهوم:

خرمشهر مانند لاله‌ی سرخ رنگ خون آلودی است که هنوز هم داغ شعله‌های جنگ در دل آن باقی مانده است.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تشبیه: خرمشهر مانند شقایق
تشخیص: خرمشهر داغ جنگ را بر سینه دارد.
مجاز: «سینه»: مجاز از دل است.

✽ شایستگان آناند که قلبشان را عشق تا آن‌جا انباشته است که ترس از مرگ، جایی برای ماندن ندارد. شایستگان جاودانند.

معنی و مفهوم:

انسان‌های شایسته کسانی هستند که عشق قلبشان را به اندازه‌ای پُر کرده است که دیگر ترس از مرگ، جایی برای باقی ماندن ندارد. انسان‌های شایسته همیشه جاودان هستند.

✽ جنگ بر پا شد تا مردترین مردان در حسرت قافله‌ی کربلای عشق نمانند.

معنی و مفهوم:

جنگ پدید آمد تا دلاور مردان در آرزوی رسیدن به کاروان شهادت آفرین عشق باقی نمانند و به آن برسند.

✽ در پس این ویرانی‌ها معارجی به سال ۶۱ هجری قمری وجود داشت و بر فراز آن، امام عشق، حسین بن علی (ع)، آغوش برگشوده بود.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

به دنبال همه‌ی ویرانی‌های جنگ، نردبان‌هایی به سوی آسمان به هنگام شهادت امام حسین و یارانش وجود داشت و بر بالای آن، سرور عشق، امام حسین (ع)، آغوش خویش را برای رزمندگان گشوده بود.

✽ در هر وجب از این خاک شهیدی به معراج رفته است؛ با وضو وارد شوید.

معنی و مفهوم:

در جای جای این سرزمین، شهیدی به بالای آسمان پرواز کرده است؛ به این سرزمین پاک و مقدس با وضو وارد شوید.



دانش‌های زبانی و ادبی

حذف فعل در جمله

یادآوری: همان‌طور که خواندیم، مهم‌ترین جزء گزاره، «فعل» است و دانستیم که فعل دارای زمان‌های ماضی (گذشته)، مضارع (حال) و مستقبل (آینده) است؛ نیز دانستیم که هر فعل دارای بن و شناسه است. اکنون حذف فعل را در جمله‌های زیر بررسی می‌کنیم:

*این شهر دروازه‌ای در زمین داشت و دروازه‌ای دیگر در آسمان (داشت).

*آنان که یاد آن مقاومت عظیم را در دل محفوظ داشته‌اند، پیر شده‌اند و پیرتر (شده‌اند).

در جمله‌های بالا، فعل از آخر جمله حذف شده است. در این جمله‌ها، فعل به این دلیل حذف شده است تا از تکرار بیهوده‌ی آن جلوگیری شود. در جمله‌های زیر فعل‌های حذف شده را بررسی کنید.

*من با دیدن دوستم خوش‌حال شدم و خندان.

*خداوند دوستدار نیکوکاران است و یاور راست‌گویان.

گفت‌وگوی درونی یا مونولوگ

نوشته‌ای است که در آن، نویسنده با خویش سخن می‌گوید. گفتار یک نفره (مونولوگ) می‌تواند مخاطب داشته باشد یا نداشته باشد. اغلب نیایش‌ها، مناجات‌ها و مرثیه‌ها از این نوع هستند. به نمونه‌ای از گفت و گوی درونی یا مونولوگ توجه کنید:

*با خودم می‌گفتم: جنگ بر پا شده بود تا محمد جهان‌آرا به آن قافله‌ای ملحق شود که به سوی عاشورا می‌رفت.

گفت‌وگو با دیگران یا دیالوگ

در این نوع نوشته، گفت و گو بین افراد صورت می‌گیرد؛ یعنی فرد با شخص یا اشخاص دیگری سخن می‌گوید. جمله‌ی زیر به شیوه‌ی دیالوگ بیان شده است:

*جهان‌آرا گفت: من نمی‌توانم به شما فرمان بدهم. هر کس می‌تواند، بایستد و هر کس نمی‌تواند، برود.



نوشتن

* سؤال‌های «۱، ۳، ۴، ۵ و ۶» فعالیت دانش‌آموزی هستند.

۲- در متن زیر، فعل‌های قابل حذف را مشخص و متن را بازنویسی کنید.
جبهه‌ها سرشار از ایمان بود و عشق بود. رزمندگان نماز می‌خواندند و قرآن می‌خواندند. شب‌های جبهه بر گونه‌ها اشک می‌نشست و بر لب‌ها زمزمه‌ی دعا می‌نشست.
پاسخ: «جبهه‌ها سرشار از ایمان بود و عشق / جبهه‌ها سرشار از ایمان و عشق بود». «رزمندگان نماز می‌خواندند و قرآن / رزمندگان نماز و قرآن می‌خواندند». «شب‌های جبهه بر گونه‌ها اشک می‌نشست و بر لب‌ها زمزمه‌های دعا / شب‌های جبهه بر گونه‌ها اشک و بر لب‌ها زمزمه‌های دعا می‌نشست».

نکته‌ی املائی:

باید توجه داشته باشیم، در نوشتن املا، صدا و حروف پایانی کلمات به ویژه افعال را حذف نکنیم مانند نوشتن «آنها رفتن» به جای «آنها رفتند».

شعرخوانی



رنگ بهاران

توضیح پاره‌ای مفاهیم

سلمان هراتی (۱۳۶۵-۱۳۳۹): از شاعران توانای پس از انقلاب اسلامی است. اشعار او در سه مجموعه به نام‌های «از آسمان سبز»، «از این ستاره تا آن ستاره»، «دری به خانه‌ی خورشید» به چاپ رسیده است.

معجد خوافی: از علما، عرفا و شعرای قرن هشتم هجری است. کتاب «روضله‌ی خلد» را در سال ۷۳۳ هـ ق به سبک گلستان سعدی به رشته‌ی تحریر در آورد و در سال ۷۳۷ آن را کامل کرد. روضه‌ی خلد، در بردارنده‌ی حکایاتی به نثر آمیخته به نظم است.

قالب شعر: غزل

ردیف: گرفته است



«در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است / «امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است»

معنی و مفهوم:

دوباره اندوهی دلم را فرا گرفته و امشب، قلبم به یاد شهیدان غمگین است.

دانش‌های ادبی و زبانی:

مجاز: سینه مجاز از دل است. مراعات نظیر: سینه و دل

تشخیص: جان گرفتن غم

تضمین: شاعر مصراع دوم را از یک شهید تضمین کرده است.

«تا لحظه‌های پیش دلم گور سرد بود / اینک به یمن یاد شما جان گرفته است

معنی و مفهوم:

تا چند لحظه‌ی قبل، دلم مانند قبر سرد و خاموشی بود، اکنون به برکت و خجستگی یاد شما، جان دوباره‌ای گرفته است.

دانش‌های ادبی و زبانی:

تشبیه: دلم مانند گور سرد بود. مجاز: دل مجاز از وجود است.

تشخیص: جان گرفتن دل

«در آسمان سینه‌ی من ابر بغض خفت / صحرای دل بهانه‌ی باران گرفته است

معنی و مفهوم:

غم و غصّه سراسر وجودم را فرا گرفته است و قلبم برای گریه کردن بهانه جویی می‌کند.

دانش‌های ادبی و زبانی:

تشبیه: آسمان سینه (سینه مانند آسمان) / ابر بغض (بغض مانند ابر)

مجاز: سینه مجاز از قلب است. مراعات نظیر: آسمان، ابر، باران

تشخیص: بهانه گرفتن دل

«از هر چه بوی عشق، تهی بود خانه‌ام / اینک صفای لاله و ریحان گرفته است

معنی و مفهوم:

هیچ عشقی در دلم وجود نداشت. اکنون با یاد شهیدان، وجودم پاک و عطرآگین شده است.

دانش‌های ادبی و زبانی:

استعاره: خانه استعاره از دل است. مراعات نظیر: لاله و ریحان



*دیشب دو چشم پنجره در خواب می‌خزید / امشب سکوت پنجره پایان گرفته است

معنی و مفهوم:

دیشب، چشمان پنجره‌ی قلبم به خواب فرو رفته بودند اما امشب، شور و نشاط زندگی در دلم آشکار شده است.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تضاد: دیشب و امشب

تشخیص: دو چشم پنجره و سکوت پنجره

*امشب فضای خانه‌ی دل، سبز و دیدنی است / در فصل زرد، رنگ بهاران گرفته است

معنی و مفهوم:

امشب، دلم شاد و با طراوت و زیبا شده و در فصل پاییز مانند بهار سرسبز شده است.

دانش‌های ادبی و زیبایی:

تشبیه: خانه‌ی دل (دل مانند خانه است).

مراعات نظیر: رنگ، سبز، زرد

مجاز: فصل زرد: فصل پاییز / دیدنی و بهاران واژه‌های مشتق هستند.

سوالات تشریحی

۱- معنای واژه‌های زیر را بنویسید.

نخل، تداعی، گزینش، معین، گور

۲- تفاوت مونولوگ و دیالوگ در چیست؟



سؤالات تستی آموزشی (متوسط)



۱- در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«شطّ خونین شهر در روزهای جنگ، هم عقلِ بازگونه‌ی جنگ آفرینِ انسان و اتومبیل‌های آتش گرفته و خانه‌های ویران را نظاره کرد و هم مقاومتِ نوجوانانِ دلاوری را که زیرسقف مدرسه‌های خرم‌شهر، مظهر استقامت در برابر متجاوزان بودند. نوجوانانی از صلاله‌ی جوانمردان که اصحابِ امام حسین در صحنه‌ی کربلا را تداعی می‌کردند، شایستگی که آسمان به روی آنان آغوش گشوده بود.»

۱) چهار ۲) یک ۳) دو ۴) سه

۲- کدام یک از واژگان زیر را می‌توان به عنوان متضاد واژه‌ی «لااقل» به کاربرد؟

۱) حتی‌الامکان ۲) حداکثر ۳) احیاناً ۴) عیناً

۳- در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«سال‌هاست که بر همین شیوه از عمر عالم گذشته است. مرغ حیات از حیاط خانه‌ی آنان که می‌پندارند فرصتی پایان‌ناپذیر برای زیستن دارند، زودتر می‌پرد. منتهی کسانی هم هستند که ققنوس- وار از میان خاکسترهای نیم سوخته‌ی خود برمی‌خیزند و به قافله‌ی جاودانان ملهق می‌شوند. درست است که زندگی بی‌وقفه می‌گذرد و هرگز از گذشتن بازناستاده است. اما تاریخ، یادِ این استوارقامتانِ دلیر را در دلِ خود محفوظ داشته است.»

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۴- در بیت «در آسمان سینه‌ی من ابر بغض خفت / صحرای دل بهانه‌ی باران گرفته است» کدام یک از آرایه‌های زیر وجود ندارد؟

۱) تلمیح ۲) تشبیه ۳) تشخیص ۴) مراعات نظیر

۵- هر سه واژه‌ی همه‌ی گزینه‌ها باهم هم‌خانواده‌اند به جز گزینه‌ی ...

۱) مقابله، تقابل، مقلوب ۲) مدافعه، دفع، دفاع
۳) مقر، استقرار، قرار ۴) استقبال، قبول، تقبّل

۶- کدام یک از گزینه‌های زیر از آثار مرتضی مطهری نیست؟

۱) خدمات متقابل اسلام و ایران ۲) بامداد اسلام
۳) داستان راستان ۴) تماشاگاه راز

۷- «روضه‌ی خلد» به تقلید از چه کتابی نوشته شد؟

۱) بوستان سعدی ۲) امدادهای غیبی
۳) اخلاق ناصری ۴) گلستان سعدی



- ۸- با توجه به هر گزینه، معنی کدام یک از واژه‌ها نادرست آمده است؟
- (۱) تا لحظه‌های پیش، دلم گورِ سرد بود / اینک به یمن شما جان گرفته است. (یمن: خجستگی، مبارکی)
- (۲) خواستم از عهده‌ی حفظ رعیت بیرون آمده باشم. (عَده: وظیفه)
- (۳) خرمشهر شقایقی خون رنگ است که داغِ جنگ بر سینه دارد. (داغ: گرما، حرارت)
- (۴) این توپره‌ی کاه بردار و به لشکرگاه بر. (توپره: کیسه‌ی بزرگ)
- ۹- کدام یک از گزینه‌های زیر از آثار «سلمان هراتی» نیست؟
- (۱) از آسمان سبز
- (۲) از این ستاره تا آن ستاره
- (۳) هزاران خورشید تابان
- (۴) دری به خانه‌ی خورشید
- ۱۰- کدام یک از گزینه‌های زیر از فیلم‌های سیدمرتضی آوینی نیست؟
- (۱) خان گزیده‌ها
- (۲) روایت فتح
- (۳) سوره
- (۴) سراب



سوالات تستی آموزشی (پیشرفته)

- ۱- کدام گزینه در ارتباط با بیت «امشب فضای خانه‌ی دل سبز و دیدنی است / در فصل زرد رنگ بهاران گرفته‌است» نادرست است؟
- (۱) دو مصراع این بیت با هم قافیه ندارند.
- (۲) «سبز و دیدنی» مسند مصراع اول و «رنگ بهاران» مسند مصرع دوم است.
- (۳) «فصل زرد» در معنای فصل پاییز و خزان آمده است.
- (۴) فضای خانه‌ی دل «نهاد» هر دو جمله است.
- ۲- در کدام یک از گزینه‌های زیر، فعل آخر جمله به اشتباه حذف شده است؟
- (۱) شب‌های جبهه، برگونه‌های رزمندگان اشک و بر لب‌هایشان زمزمه‌ی دعا می‌نشست.
- (۲) پس از بازدید از مناطق مرزی، به خانه رفته و خود را برای عملیات آماده کردم.
- (۳) مسئولان امنیتی، فراریان را دستگیر و به زندان تحویل دادند.
- (۴) خبرنگاران، با خودروی شخصی به محل حادثه رفتند و نیروهای امنیتی با خودروهای دولتی
- ۳- در کدام گزینه، جمع مکسر هر دو واژه درست آمده است؟
- (۱) دور: ادوار / مَثَل: امثال
- (۲) جزء: اجزا / فاضل: فضایل
- (۳) عشق: عشاق / معراج: معاریج
- (۴) فاصله: فواصل / صفت اوصاف



پاسخ سؤالات تشریحی

۱- نخل: درخت خرما/ تداعی: از یک معنی به معنی دیگر پی بردن، به یاد آوردن/ گزینش: انتخاب، معین، مشخص / گور: قبر

۲- مونولوگ گفت و گوی درونی است، گفتار یک نفره‌ای که می‌تواند مخاطب داشته باشد یا نداشته باشد؛ در حالی که دیالوگ گفت و گوی بین افراد است.

۱- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

املاي درست کلمه: صلاله ← سلاله

۲- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

لااقل به معنی «کم‌ترین» و حداکثر به معنی «بیش‌ترین» است.

۳- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

املاي «ملهق» نادرست و صورت صحیح آن «ملحق» است.

۴- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

در این بیت: سینه به آسمان، بغض به ابر، و دل به صحرا تشبیه شده است. خوابیدن ابر و بهانه گرفتن صحرا هر دو تشخیص‌اند، و واژگان آسمان، ابرو باران، و نیز سینه و دل مراعات نظیر دارند. در این بیت تلمیح وجود ندارد.

۵- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

ریشه‌ی واژه‌ی مقلوب «ق ل ب» با ریشه‌ی واژگان مقابله و تقابل «ق ب ل» یکسان نیست. از این رو واژه‌ها با هم، هم‌خانواده نیستند.

۶- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

بامداد اسلام، عنوان کتابی از دکتر عبدالحسین زرّین کوب است.

۷- گزینه‌ی «۴» صحیح است.

روضه‌ی خلد را «مجدخوافی» به نثر آمیخته به نظم و به تقلید از گلستان سعدی نوشت.



۸- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

در گذشته، داغ گذاشتن از شیوه‌های علامت‌گذاری بود، به این صورت که نشانی را روی حرارت داغ کرده، روی اجسام یا بدن حیوانات می‌گذاشتند و جای آن علامت باقی می‌ماند. خرّمشهر داغ جنگ بر سینه دارد. به این معناست که خرّمشهر علامت جنگ را هنوز روی بدن خود حس می‌کند، یادگار جنگ را با خود دارد.

۹- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

هزاران خورشید تابان، عنوان رمانی از «خالد حسینی» نویسنده‌ی افغانی الاصل امریکایی است.

۱۰- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

سوره، عنوان مجله‌ای بود که آوینی سردبیری آن را برعهده داشت. «حقیقت»، عنوان فیلم دیگری از اوست.



پاسخ سوالات تستی آموزشی پیشرفته

۱- گزینه‌ی «۲» صحیح است.

فعل جمله‌ی دوم این مصراع، اسنادی نیست. بنابراین در این جمله مسند وجود ندارد.
 (فضای خانه‌ی دل) در فصل زرد، رنگ بهاران (را) گرفته است.
 نهاد مفعول فعل متعدی

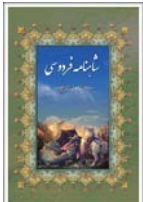
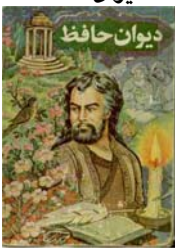
۲- گزینه‌ی «۳» صحیح است.

گاه برای جلوگیری از تکرار بیهوده، فعل انتهای برخی جملات حذف می‌شود. نظیر عبارت گزینه‌ی «۱»: شب‌های جبهه بر گونه‌های رزمندگان اشک [می‌نشست] و بر لب‌هایشان زمزمه‌ی دعا می‌نشست و یا عبارت گزینه‌ی «۴»: خبرنگاران با خودروی شخصی به محل حادثه رفتند و نیروهای امنیتی با خودروهای دولتی [رفتند].
 اما در عبارت گزینه‌ی «۳»، فعل تکراری وجود ندارد که بخواهیم آن را حذف کنیم. مسئولان امنیتی فراریان را دستگیر کردند و به زندان تحویل دادند.
 پس: «کردند» در این عبارت، به اشتباه حذف شده‌است. ضمناً در عبارت گزینه‌ی «۲» فعلی حذف نشده است.

۳- گزینه‌ی «۱» صحیح است.

شرح نادرستی سایر گزینه‌ها: ۲- فضل: فضایل / فاضل: فضّلاً / ۳- عاشق: عشاق / ۴- وصف: اوصاف



نام شاعر	قرن	نام آثار	توضیحات
ابوالقاسم فردوسی	قرن چهارم و پنجم شمسی	شاهنامه 	شیعه مذهب، دهقان و نجیب‌زاده‌ی توس، در ۲۵ یا ۳۰ سال شاهنامه را سرود.
سنایی غزنوی	قرن ششم شمسی	حديقة الحقیقه 	ابتدا شاعری مدیحه‌سرا بود بعد به عرفان روی آورد
حافظ	قرن هشتم شمسی	دیوان حافظ 	معروف به لسان‌الغیب، حافظ قرآن بود، بزرگ‌ترین غزل‌سرای ایران
قیصر امین‌پور	معاصر	تادب	از شاعران برجسته انقلاب ت: تنفس صبح آ: آیینه‌های ناگهان د: در کوچه آفتاب ب: به قول پرستو